

بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی در دانشگاه علوم پزشکی ارومیه

مطهره حمزه رباطی^{۱*}، بهناز مهاجرانی^۲، علیرضا قلعه‌ای^۳

تاریخ دریافت 1393/01/20 تاریخ پذیرش 1393/03/25

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: آموزش الکترونیکی یکی از پدیده‌های جهان نوین است که در عصر اطلاعات و در جامعه مبتنی بر دانش پا به عرصه وجود گذاشته است. لذا این پژوهش با هدف بررسی نگرش اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی انجام شده است.

مواد و روش: طرح پژوهش غیرآزمایشی و به‌طور دقیق‌تر، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه است که حجم نمونه با استناد به جدول مورگان ۱۳۶ نفر برآورد شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات متخصصین استفاده شد و پایایی آن با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۵ محاسبه گردید. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون‌های همبستگی، واریانس و تی مستقل استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که همبستگی معنادار و مستقیمی بین نگرش اعضای هیئت علمی به آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی وجود دارد ($r = 0/73$ و $P = 0/00$). نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به آموزش الکترونیکی با توجه به سوابق تحصیلی آنان متفاوت است ($P = 0/06$ ، $F = 5/38$)، ولی تفاوت معناداری بین نگرش نسبت به آموزش الکترونیکی، در میان اعضای هیئت علمی مرد و زن وجود ندارد ($t = -1/82$ ، $P = 0/07$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نگرش مثبت اعضای هیئت علمی نسبت به نظام آموزش الکترونیکی، پیشنهادهایی جهت بهبود وضع موجود و حرکت به سمت اجرای نظام آموزش الکترونیکی در دانشگاه علوم پزشکی ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: آموزش الکترونیکی، نگرش، اعضای هیئت علمی، آموزش ترکیبی

مجله پزشکی ارومیه، دوره بیست و پنجم، شماره ششم، ص ۴۸۰-۴۷۴، شهریور ۱۳۹۳

آدرس مکاتبه: ارومیه، خیابان والفجر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تلفن: ۰۹۱۱۹۵۴۴۸۴۴

Email: mhamze_robati@yahoo.com

مقدمه

تدریس، به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی در ارائه دروس و یادگیری چگونگی آموزش به فراگیران از راهکارهای اساسی آموزش در عصر اطلاعات هست (۱). آموزش الکترونیکی یکی از پدیده‌های جهان نوین است که در عصر اطلاعات و در جامعه مبتنی بر دانش پا به عرصه وجود گذاشته است و در پیشینه کوتاه‌مدت خود از گسترش قابل‌ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. آموزش الکترونیکی از دیدگاه فلسفی مبتنی بر پارادایم سازگرای است و به اعتقاد برخی از متخصصان، مهم‌ترین فناوری است که می‌تواند رویکردهای جدید آموزش و یادگیری را مورد حمایت قرار دهد.

امروزه فناوری اطلاعات با همه تحولات و تأثیراتش در تمامی عرصه‌های علوم، یکی از ضروری‌ترین ابزارها در صحنه آموزش محسوب می‌شود. ظهور فناوری و گسترش آن منجر به تولید روزافزون علم و همچنین سهولت اشاعه آن به تمامی افراد شده است. به‌این ترتیب هدایت و سازمان‌دهی این اطلاعات کثیر از دغدغه‌های اصلی زمامداران تعلیم و تربیت هست. چراکه فرصت‌های آموزش رسمی دیگر امکان انتقال اطلاعات به شیوه‌های گذشته را فراهم نمی‌نمایند؛ بنابراین تغییر شیوه‌های

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی دانشگاه ارومیه

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه

^۳ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه ارومیه

آموزش الکترونیکی روش‌های تدریس را متحول ساخته و در تکمیل چرخه یادگیری نقش بسزایی داشته است. چنانچه بپذیریم که تعامل نقش اساسی و مهمی در فرایند تدریس و یادگیری دارد، یادگیری الکترونیکی با بهره‌گیری از فناوری‌های نوظهور، تعاملات گسترده‌ای را برای دسترسی به اطلاعات وسیع و نیز برقراری انواع ارتباط فراهم می‌سازد. امکانی که در فرایند سنتی یادگیری به‌صورت بسیار محدود و ناچیز وجود داشته است (۲). برای پیاده‌سازی و بکارگیری نظام یادگیری الکترونیکی دلایل زیادی وجود دارد که مهم‌ترین دلیل آن کاهش هزینه آموزش می‌باشد (۳). علاوه بر مزیت صرفه‌جویی در هزینه‌ها، با پیاده‌سازی نظام یادگیری الکترونیکی مزایای همچون توسعه سریع‌تر، بهنگام‌سازی دوره‌های دروس، ایجاد آموزش سریع‌تر، دسترسی در هر زمان و مکان، فرصت‌های یادگیری خارجی، بهبود انگیزش و روحیه و پیاده‌سازی مباحث استراتژیک قابل دسترسی است (۴). با توجه به مطالب فوق، محیط آموزش الکترونیکی زمانی به فواید و مزایای خود دست می‌یابد که به طرز صحیحی پیاده‌سازی شده باشد و زیرساخت‌های لازم برای موفقیت آن مانند آشنایی افراد با رایانه و دسترسی همگان به اینترنت وجود داشته باشد. در غیر این صورت مواردی که به‌عنوان مزیت بیان شد ارزش خود را از دست می‌دهد. به عبارتی، طراحی صحیح محیط‌های آموزش الکترونیکی، باعث دستیابی به کلیه مزایای مذکور می‌شود و بیشتر معایب، با طراحی مناسب قابل برطرف کردن است، درحالی‌که طراحی نامناسب موجب از دست رفتن بیشتر مزایای این محیط‌ها خواهد شد (۵). به‌منظور توسعه و اجرای شیوه آموزش الکترونیکی علاوه بر این که نیاز به آمادگی‌هایی در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی وجود دارد، باید به بررسی گرایش و نگرش استادان درباره آموزش الکترونیکی نیز پرداخته شود و این اولین گام در جهت سوق دادن سیستم آموزشی به این سمت می‌باشد. صاحب‌نظران، مطالعه نگرش را برای درک رفتار اجتماعی حیاتی می‌دانند. نگرش‌ها تعیین کننده رفتارها هستند و این فرض به‌طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که با تغییر دادن نگرش‌های افراد می‌توان رفتارها را تغییر داد. برای تحقق نظام آموزش مجازی در کشور پرداختن به اولویت‌های اندیشه‌ای و نگرش استادان، اجرای موفق و با کیفیت بهتر این آموزش را فراهم می‌نماید. کلید اصلی در کیفیت آموزش مجازی و مهم‌ترین کاتالیزور در موفقیت طولانی آموزش مجازی، مدرسین می‌باشند. آن‌ها باید باور داشته باشند به همان میزانی که بر دانشجوی کلاس‌های سنتی تأثیر می‌گذارند، می‌توانند بر دانشجویان راه دور نیز تأثیر بگذارند، استادان باید نگرش‌هایشان را با تدریس مجازی سازگار نمایند (۶). با توجه به مطالب فوق تحقیقات متعددی در راستای بررسی نگرش اعضای

هیئت‌علمی نسبت به نظام آموزش الکترونیکی انجام گرفته است به‌عنوان‌مثال: وفایی نجار، محمدی، خیابانی و ابراهیمی پور، در پژوهشی تحت عنوان نگرش و عملکرد اعضای هیئت‌علمی نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد به این نتیجه رسیدند که بین نگرش دو جنس زن و مرد در زمینه تدریس به شیوه آموزش الکترونیکی تفاوت معناداری وجود ندارد و تفاوت معناداری بین سن و درجه علمی با نگرش آن‌ها جهت تدریس به شیوه آموزش الکترونیکی نشان نداد. ولی رابطه معناداری بین سابقه تدریس با نگرش افراد در خصوص تدریس به شیوه آموزش الکترونیکی مشاهده شد به این معنی که افراد با سابقه تدریس بالاتر تمایل کمتری به اجرای این روش داشته‌اند (۷). همچنین نتایج پژوهش نشان داد که نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش از طریق آموزش الکترونیکی مثبت بود و تلاش برای بهبود نگرش از طریق آموزش و اطلاع‌رسانی در مورد فواید این دوره‌ها و فراهم نمودن امکانات مناسب برای دسترسی بیشتر به اینترنت ازجمله پیشنهاد‌های این پژوهش می‌باشد (۸).

در مطالعه دیگر آمده است که آگاهی به آموزش مجازی در بین اعضای هیئت‌علمی که به روش سنتی تدریس می‌کنند از گروهی که به هر دو روش آموزش مجازی و سنتی آموزش می‌دهند، کمتر است. به‌طوری‌که به نظر می‌رسد افرادی که در زمینه آموزش مجازی آگاهی دارند، توسعه مهارت، عامل گرایش آن‌ها به آموزش مجازی است. درحالی‌که افرادی که درباره آموزش مجازی آگاهی ندارند به دلیل نوع تعامل در این شیوه و همچنین عدم آگاهی نسبت به این آموزش به آن گرایش نشان نمی‌دهند (۱). در مطالعه دیگر، پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی در دانشگاه‌های سنتی نیاز به تغییرات در استراتژی‌هایشان دارد. این مطالعه راه‌هایی را برای مؤسسات آموزش پیشنهاد کرده است که آن‌ها را برای اطمینان از موفقیت‌های این رسانه می‌توان موردتوجه قرار داد. این راه‌ها عبارت‌اند از تجزیه‌وتحلیل از توانایی‌ها و فرصت‌های خود، رهبری و سازمان، اهداف، دوره‌ها و برنامه‌ها، توسعه آموزشی و مسائل مربوط به دانشکده و هیئت‌علمی، امور مالی و غیره (۹). نتایج پژوهش نشان داد که اعضای هیئت‌علمی نگرش مثبت به تدریس از طریق یادگیری الکترونیکی دارند و با توجه به نگرش مثبت در مورد یادگیری الکترونیکی بهتر است که آموزش به مدرسین به‌صورت مداوم و مستمر در مورد آگاهی از فناوری و چگونگی کسب مهارت در طول زمان در یادگیری الکترونیکی صورت گیرد تا بتوان به نحو مطلوب به طراحی یادگیری الکترونیکی اقدام نمود. همچنین دیدگاه اساتید نسبت به فناوری، تجارب استفاده از فناوری‌ها و شرایط فرهنگی حاکم بر محیط پیرامونشان، در شکل‌گیری نگرش آن‌ها نسبت به فناوری

اطلاعات و ارتباطات در مدارس تأثیر داشته است (۱۳-۱۰). شارپ و همکاران، در مقاله خود به بررسی ۳۰۰ مطالعه در زمینه یادگیری الکترونیکی ترکیبی پرداخته‌اند و تأثیرهای مثبت استفاده از این روش را بر تجارب دانشجویان بیان نمودند که از جمله موارد مثبت آن می‌توان به انعطاف‌پذیری در یادگیری، افزایش تجارب یادگیری در محیط دانشکده و مشارکت بیشتر دانشجویان در امر یادگیری اشاره نمود (۱۴).

اوموئی میلان، مهدی نژاد و یعقوبی، پژوهشی با عنوان بررسی عوامل مؤثر در تمایل اعضای هیئت علمی به استفاده از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی انجام دادند. یافته‌ها نشان داد که نگرش اساتید در تمایلشان در استفاده از سیستم‌های یادگیری الکترونیک مؤثر می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای تعدیل‌کننده نظیر جنسیت، سن، میزان سابقه و دانشکده در تمایل اساتید نسبت به استفاده از سیستم‌های یادگیری الکترونیکی مؤثر نبوده است (۱۵). نتایج پژوهش حسینی، میر عرب رضی و رضایی، در مورد بررسی موانع توسعه آموزش الکترونیکی در نظام آموزشی ایران، حاکی از آن است که موانع تکنولوژیکی (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری)، فرهنگی - اجتماعی، موانع پداگوژیکی (شامل موانع شناختی، موانع محتوایی و موانع آموزشی)، حقوقی - اداری، موانع راهبردی و موانع اقتصادی، به ترتیب در عدم توسعه آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی ایران تأثیرگذار می‌باشند (۱۶). به‌طور کلی با در نظر گرفتن محدودیت‌های غیرقابل اجتناب، روش‌های الکترونیکی استفاده از آموزش الکترونیکی ترکیبی که در آن از فواید هر دو روش آموزش الکترونیکی و کلاس‌های رودرو استفاده می‌گردد، می‌تواند گزینه مناسبی برای نظام آموزش عالی در ایران باشد (۱۷)؛ بنابراین در مورد ضرورت تغییر در نظام‌های

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری آن عبارت از کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه می‌باشد که تعداد جامعه آماری موردمطالعه ۲۲۰ نفر می‌باشد که از این تعداد با توجه به جدول مورگان ۱۳۶ نفر نمونه تعیین گردید. برای جمع‌آوری داده‌های موردنیاز این مطالعه و به منظور اندازه‌گیری متغیرها، از پرسشنامه محقق ساخته مشتمل بر ۲۳ سؤال پنج‌درجه‌ای بر اساس مقیاس لیکرت، استفاده شده است. پرسشنامه‌ها به صورت حضوری و الکترونیکی برای اساتید ارسال شد که در نهایت ۱۲۰ پرسشنامه صحیح جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. روایی آن توسط متخصصین تأیید شد و ضریب پایایی، توسط آلفای کرونباخ معادل ۰/۷۵ به دست آمد. روش آماری بکار گرفته شده برای این مطالعه، تحلیل توصیفی و استنباطی بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده شده است و آزمون‌های آماری مورد استفاده در این مطالعه آزمون همبستگی، تحلیل واریانس و آزمون‌های مستقل می‌باشد.

یافته‌ها

متغیرهای جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهش در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول (۱): فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیرها	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۹۹
	زن	۲۱
	مربی	۳۹
رتبه علمی	استادیار	۶۳
	دانشیار و بالاتر	۱۸
سن	۴۰ <	۴۳
	۴۰-۴۹	۶۵
	۵۰ ≥	۱۲
سابقه تدریس	۱۰ <	۵۱
	۱۰-۲۰	۵۹
	۲۰ ≥	۱۰
جمع کل	۱۲۰	

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش الکترونیکی یکی از روش‌های جدید آموزشی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است که با محور قرار دادن انسان به‌عنوان یادگیرنده فعال، می‌تواند تمامی اشکال آموزش و پرورش و یادگیری را در قرن بیست و یکم متحول سازد و به چالش حاصل از میزان تقاضای اجتماعی برای آموزش و فقدان منابع آموزشی کافی پایان دهد. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی نگرش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی انجام شد.

به‌منظور بررسی رابطه بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت که اکثر اساتید دانشگاه نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی، نگرش مثبتی داشته و خواستار اجرای صحیح این روش به‌عنوان ابزار مهمی برای یادگیری مادام‌العمر، می‌باشند. بر این مبنای، نتایج پژوهش حاضر، همسو با پژوهش‌های وفایی نجار، محمدی، خیابانی و ابراهیمی پور، ترابی، آهنگیان و سعیدی رضوانی، نقوی و قنبری، عسگری و طاهری، می‌باشد. پژوهش آن‌ها نشان داد که به‌طور کلی نگرش اعضای هیئت‌علمی دانشگاه نسبت به پیاده‌سازی نظام آموزش الکترونیکی مثبت می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش حاضر از جهتی می‌تواند همسو با پژوهش‌های ذوالفقاری، سردی، نگارنده، زندی و احمدی و شارپ، بنفیلد، رابرت و فرانسویس^۱، مبنی بر نگرش مثبت اعضای هیئت‌علمی نسبت به پیاده‌سازی آموزش الکترونیکی ترکیبی، باشد.

به‌منظور بررسی رابطه بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و سابقه تدریس، از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. نتایج نشان داد که میانگین نمره‌های نگرش اعضای هیئت‌علمی نسبت به آموزش الکترونیکی با سابقه تدریس آن‌ها متفاوت است. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت که هر چه به سابقه خدمت افراد افزوده می‌شود از نگرش مثبت ایشان در مورد آموزش دوره‌های الکترونیکی کاسته می‌شود. به این معنا که افراد با سابقه تدریس بالاتر تمایل کمتری به اجرای این روش داشته‌اند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های رشید ترابی، آهنگیان و سعیدی رضوانی و وفایی نجار، محمدی، خیابانی و ابراهیمی پور، مبنی بر وجود تفاوت بین نگرش اعضای هیئت‌علمی نسبت به آموزش الکترونیکی با سابقه تدریس آن‌ها، همسو می‌باشد.

در جدول فوق مشخص است که ۸۲/۵ درصد از افراد مورد مطالعه مرد و ۱۷/۵ درصد زن بودند ۳۲/۵ درصد با رتبه علمی مربی، ۵۲/۵ درصد استادیار و ۱۵ درصد دانشیار و استاد بودند. ۴۲/۵ درصد سابقه کار کمتر از ۱۰ سال، ۴۹/۱۷ درصد سابقه کار بین ۱۰-۲۰ سال و ۸/۳۳ درصد سابقه کار بالای ۲۰ سال داشته‌اند و سن ۳۵/۸۳ درصد آنان کمتر از ۴۰، ۵۴/۱۷ درصد بین ۴۰-۴۹ و ۱۰ درصد آنان بالای ۱۰ سال بود؛ بنابراین بیشتر گروه نمونه را اعضای هیئت‌علمی مرد با رتبه علمی استادیار، سابقه تدریس بین ۱۰-۲۰ سال و گروه سنی ۴۰-۴۹ سال تشکیل می‌دادند.

در مورد نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی، نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین با سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی رابطه معناداری وجود دارد ($P=0/000$ و $r=0/73$).

در مورد رابطه بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و سابقه تدریس، نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که چون سطح معناداری به‌دست‌آمده ($F=5/38$, $P=0/006$)، کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ می‌توان نتیجه گرفت که با سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین نگرش اعضای هیئت‌علمی نسبت به آموزش الکترونیکی با توجه به سوابق تحصیلی آنان تفاوت وجود دارد. در ادامه نتایج حاصل از آزمون تعقیبی توکی نشانگر آن است که افراد با سابقه تدریس بالاتر تمایل کمتری به اجرای این روش داشته‌اند.

در مورد رابطه بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و سن، نتایج نشان داد که سطح معناداری به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت که بین نگرش اعضای هیئت‌علمی به آموزش الکترونیکی و سن آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد ($r=0/05$, $P=0/56$).

نتایج آزمونی مستقل برای بررسی تفاوت نگرش اعضای هیئت‌علمی مرد و زن نسبت به آموزش الکترونیکی، نشان داد که تفاوت معناداری بین نگرش نسبت به آموزش الکترونیکی، در میان اعضای هیئت‌علمی مرد و زن در این پژوهش دیده نشد ($1/82$ - $t=0/07$, $P=$). به عبارتی طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، میانگین نمرات نگرش اعضای هیئت‌علمی مرد و زن در هر دو گروه یکسان می‌باشد.

¹. Sharp, Benfield, Roberts and Francis

می باشد، پژوهش آن ها، تفاوت معناداری بین نگرش اعضای هیئت علمی مرد و زن در زمینه تدریس به شیوه آموزش الکترونیکی نشان نداد.

با توجه به یافته های فوق می توان نتیجه گرفت که اکثر اساتید دانشگاه نسبت به پیاده سازی نظام آموزش الکترونیکی و آموزش ترکیبی، نگرش مثبتی داشته و خواستار اجرای صحیح این روش به عنوان ابزار مهمی برای یادگیری مادام العمر، می باشند. جهت بهبود وضع موجود و اجرای صحیح آموزش الکترونیکی در دانشگاه، پیشنهاد می شود زمینه لازم و امکانات مناسب برای دسترسی بیشتر به فناوری روز فراهم شود و جهت آماده سازی اساتید، بهبود مهارت های آنان و شناسایی نقاط قوت و ضعف در این زمینه، کلاس های آموزشی برگزار گردد. همچنین جهت ارتقای کیفیت آموزش، پیشنهاد می شود آموزش الکترونیکی به عنوان مکمل و ابزار کمک آموزشی در کنار آموزش های حضوری و چهره به چهره (آموزش سنتی) بکار گرفته شود.

به منظور بررسی رابطه بین نگرش اعضای هیئت علمی به آموزش الکترونیکی و سن، از آزمون همبستگی استفاده گردید. نتایج نشان داد که بین نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به آموزش الکترونیکی و سن آن ها رابطه معنی داری وجود ندارد؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر، همسو با پژوهش وفایی نجار، محمدی، خیابانی و ابراهیمی پور می باشد، پژوهش آن ها نشان داد که تفاوت معناداری بین سن و نگرش اعضای هیئت علمی جهت تدریس به شیوه آموزش الکترونیکی وجود ندارد.

به منظور بررسی تفاوت نگرش اعضای هیئت علمی مرد و زن نسبت به آموزش الکترونیکی از آزمونی مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد که در بررسی جنسیت، هیچ گونه تفاوت معنی داری بین نگرش نسبت به آموزش الکترونیکی، در میان اعضای هیئت علمی مرد و زن دانشگاه علوم پزشکی در این پژوهش دیده نشد. به عبارتی میانگین نمرات نگرش اعضای هیئت علمی مرد و زن در هر دو گروه یکسان می باشد؛ بنابراین نتایج پژوهش حاضر، همسو با پژوهش وفایی نجار، محمدی، خیابانی و ابراهیمی پور

References:

1. Sedghpour B, Mirzaee S. Faculty Members' Attitudinal Challenges to E- Learning. J Tech Educ 2008; 3(1); 77-87. (Persian)
2. Garrison DR, Anderson T. E-Learning in the 21st Century. Translation by Mohammad Attaran, Tehran; Institute of Educational Technology smart schools; 2005. (Persian)
3. Aydin CH, Tasci D. Measuring Readiness for e-Learning: Reflections from an Emerging Country. Educational Technology & society 2005; 8 (4): 244-57.
4. Unneberg L. Grand designs for e-learning – can e-learning make the grade for our biggest corporate? Industrial and Commercial Training 2007; 39 (4): 201-7.
5. Cantoni V, Cellario M, Parta M. Perspectives and challenges in e-learning: towards natural interaction paradigms. JVLC 2004; 15 (5): 333-45.
6. Azarbajjani M. Social psychology and attitude to Islam. 2nd ed. Tehran: Publication of The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT) and Research Institute of Hawzah and University; 2006. (Persian)
7. Vafaei Najar A, Mohamadi M, Khiabani B, EbrahimPour H. Attitude and Performance of Faculties Towards the Implementation of the Electronic Learning System (ELS) in Mashhad University of Medical Sciences (MUMS) in 2009. Iran J Med Educ 2011; 11(2): 120-7. (Persian)
8. Torabi R, Ahanchian MR, Saeedi rezvani M. The Attitude of Department Heads, Faculty Members, and Physicians of Mashhad University of Medical Sciences toward Continuing Medical Education through Internet: Investigating Some Related Factors. Iran J Med Educ 2008; 279-87. (Persian)
9. Mohammad EEA. Framework For E-Learning Strategy In The Egyptian Universities. e-learning 2008; 21-6.
10. Zolfaghari M, Sarmadi MR, Negarandeh R, Zandi B & Ahmadi F. Attitudes of Nursing and Midwifery School's Faculty toward Blended E-learning at Tehran University of Medical

- Sciences. Journal of Nursing and Midwifery (Hayat). 2009; 15(1); 31-9. (Persian)
11. Naghavi MA. Study of Teachers and Students Attitude toward E-learning: Surveying in Iran's E-learning Universities. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. 2007; 13 (1): 157-76. (Persian)
12. Ghanbari A, Asgari F & Taheri M. View Points of Faculty Members of Guilan university of Medical Sciences in regard to Electronic Learning. Journal of Strides in Development of Medical Education 2012; 8 (2): 159-66. (Persian)
13. Albirini A. Teachers' attitudes toward information and communication technologies: the case of Syrian EFL teachers. Comp Educ 2006; 47 (4): 373-98.
14. Sharp R, Benfield G, Roberts G & Francis R. The undergraduate experience of blended e-learning: a review of UK literature and practice. The higher education academy; 2006.
15. Omoe Milan Ghashghagh M, Mahdi Nezhad V, Yaghoobi N.M. Assessing Factors Affecting the Tendancy to Use Electronic Learning Systems among Faculty Members. Magazine of Elearning Distribution In Academy (MEDIA) 2012; 2(3): 28-38. (Persian)
16. Hosseini M, Mir arab razi R, Rezaee S. Review of barriers to the development of e-learning in the educational system in Iran. Planning and Manag Educ systems 2008; (1): 47-59. (Persian)
17. Mohammad khani M. blended learning. Tadbir 2006; 172: 35-40. (Persian)

MEASURING ATTITUDE OF FACULTIES TOWARDS THE IMPLEMENTATION OF THE E-LEARNING SYSTEM IN URMIA UNIVERSITY OF MEDICAL SCIENCES

Motahharez Hamzehrobati^{1*}, *Behnaz Mohajerani*², *Alireza Ghaleei*³

Received: 9 Apr, 2014; Accepted: 15 Jun, 2014

Abstract

Background & Aims: E-learning is one of the phenomena of modern world that has developed in the information age and the knowledge-based society. The aim of this study was to evaluate the attitudes of Urmia University of Medical Sciences faculties towards the implementation of the e-learning system.

Materials & Methods: The research is a non-experimental descriptive survey. The statistical population of this study included all faculties of Urmia University of Medical Sciences that according to Morgan table were estimated 136. The questionnaire's validity was assessed by experts and its reliability was calculated by Cronbach's alpha as 0.75. For data analysis, correlation, analysis of variance, and independent t-test were used.

Results: The results indicated that there was a significant relationship between attitude of faculties toward e-learning and blended-learning (sig= 0.000, r= 0.73). The attitude of faculties towards e-learning and their work experience is different (f= 5.38, sig= 0.006). But there is no significant difference between the attitude towards e-learning among male and female faculty members (sig= 0.07, t= -1.82).

Conclusion: Based on the positive attitude of the faculties towards the implementation of the e-learning, it is suggested to improve the status quo and move toward implementation of the e-learning system in Urmia University of Medical Sciences.

Keywords: E-learning, Attitude, Faculties, Blended-learning

Address: Department of Education and Psychology, Urmia University, Urmia, Iran, **Tel:** +989119544844

Email: mhamze_robati@yahoo.com

SOURCE: URMIA MED J 2014; 25(6): 480 ISSN: 1027-3727

¹ PhD Candidate in Higher Education Administration, Education Department, Urmia University, Urmia, Iran

² Assistant Professor, Education Department, Urmia University, Urmia, Iran

³ Assistant Professor, Education Department, Urmia University, Urmia, Iran